

من برعکس شما در کنار آخوند بر علیه اسرائیل و آمریکا نمی جنگم

عام نادان پریشان روزگار بیه ز دانشمند ناپرهیزگار

بنام دموکراسی و آزادی بخود اجازه میدهم هر شخص سیاسی یا غیر سیاسی را که بگونه ایی در درزمینه های متفاوت مدعی هستند، مورد نقد قرار دهم

جعفرزاده

خیلی مدت است که حرکات آقای داریوش همایون را زیر نظر دارم و مورد تجزیه تحلیل قرار میدهم. البته به گذشته خیلی دور نمی روم که چرا ایشان در زمان شاه بازداشت شدند و آیا با نام جعلی رشیدی مطلق در روزنامه آزادگان آخوندها را بر علیه شاه تحریک کردند یا نه؟ زیرا نه به من مربوط است و نه مشکل امروز را حل میکند دست کم از پیدایش حزب مشروطه میتوانم بر رفتار ایشان داوری کنم من و امثال من که زندگی و جوانی خود را با آمدن ملایان بخاطر خطای یک عده گمراه سیاسی یا مزد بگیر، از دست داده اند، حق شان است با دیده احتیاط و حتی در مواردی با خشم به مسائل اطراف خود بنگرند اکنون این عده با ماسک ملی گرایی دست در دست برخی از کسانی که خود را مشروطه نیز میدانند، میگذارند و کنار ملا می نشینند

ابتدا به مسائل سیاسی و سپس تشکیلاتی میپردازم. در زمان آغاز روی کار آمدن خاتمی صدای آن عده از کسانی که می گفتند ننگ بر خاتمی در گلو خفه شد. بهمین دلیل خیلی ها از حزب فاصله گرفتند. چرا؟ چقدر تاریخ ما زود و تند تکرار میشود. آقایان انقلابیون چه و مقداری راست همیشه میگفتند انقلاب را از ما دزدیدند. پس باچه تضمینی دوباره بدنبال خاتمی و حتی پس آن در انتخابات بعدی بدنبال دکتر معین رفتند که دیدیم دوباره دزدیده شد. شگفتا. آیا این دزد را قبلاً نمی شناختید، که حال میخواهید در کنارش بنشینید و با آمریکا، اسرائیل بجنگید؟! چشم ما روشن آیا در زمانی که به حمایت از خاتمی پرداختید، چه چیز از یادتان رفت و یا برایتان نا آشنا بود؟ نظام ولایت فقیه را نمی شناختید؟ تفاوت جنبش اصلاحات را با اصلاح طلبان نمی دانستید؟ برآستی چه چیز برای شما طیفهای سیاسی گنگ بود؟ شاید هم آلسهایم دارید؟ چگونه جنبش اصلاحات و دانشجویی را با آخوندهایی مانند خاتمی که خود را اصلاح طلب می نامیدند و زمین تا آسمان نیز تفاوت داشتند، نشناختید؟

دیگر اجازه تکرار تاریخ مسخره را نمی دهیم دشمنان ایران که همگی سوار یک کشتی هستند و هدفشان حفظ تمامیت نظام است، توانستند سوار بر موج دوم خردادی ها شوند، جنبش را از آن خود و هواخواه خود قلمداد کنند. افسوس که تصویر واقعی آن در پرونمرز بازتاب نیافت و توسط افرادی در طیفهای مختلف سیاسی وارونه جلوه داده شد. چگونه ناگهان افرادی با اندیشه متضاد و در احزاب متضاد نظر مشترکی اتخاذ میکنند، جالب است آنهم در بازار کساد اتحاد اپوزیسیون؟

در سخنرانیهای پراکنده شما (همایون) انسان چیزهایی می شنود که بازگو کننده یک سیاست دولتی و محافظه کارانه میباشد. بنده در چند شهر به سخنرانی شما گوش فرا دادم، تعجبی همراه با خشم تمام وجود مرا فرا گرفته بود. البته بدور از انتظار هم نبود که از شما بشنوم آری در زمان رژیم جمهوری اسلامی سازندگی بسیار شده است. در جای دیگر می گویند اگر رفسنجانی به منزل شما پناه بیاورد به او امان خواهید داد یا اینکه در کنار رژیم علیه آمریکا.. میجنگید این سیاست یکی به میخ یکی به نعل دوام و بقایی طولانی نخواهد داشت. آقای همایون شما از کدام جنبش دفاع کرده و میکنید؟ شما چه پاسخی دارید که به آقای فخرآور بدهید؟ آقای فخرآور فرمودند که آن زمانیکه بسیاری از به اصطلاح روشنفکران سیاسی از خاتمی دفاع میکردند، من و بسیاری از دانشجویان در سیاه چالهای جمهوری اسلامی و در زمان حکومت آقای خاتمی شکنجه میشدیم

اینجاست که یک جریان یا یک حزب توسط شخص خاصی و اندیشه های او هدایت می شود آغاز انحراف از دموکراسی

حالا هم مدتی است از همه پیامبران جرجیس را انتخاب کردید و با خود یدک می کشید. آری شما مدتی است آقای رئیسی را که حتی در میان خود جناح چپ یک برگ سوخته است و آترا اصلاً قبول ندارند. صرف نظر از پرونده قطور ایشان در اداره جنائی آلمان، با خود بعنوان اتحاد نیروها علیه آمریکا یدک میکشید؟ زهی خیال باطل است امروز کار بجایی رسیده که آقایان چه ناگهان وطن پرست شدند و می خواهند برای دفاع از خاک ایران در کنار آخوندهای حاکم با آمریکا و اسرائیل بجنگند. بار خدایا که گربه زاهد شد

آقای همایون این عده که شما با خود یدک می کشید همان کسانی هستند که برای دفاع از طالبان افغانستان بر علیه آمریکا طومار جمع آوری میکردند. شگفتا. این عده چرا هیچ طوماری علیه ارتش وحشی و آدمخوار روس که مردم چین را به فجیعترین وضع ممکن شکنجه و تیرباران کردند، جمع آوری نکردند؟ این عده به شاهان ایرانی لقب دیکتاتور میدهند ولی هیچگاه از زبان آنان نخواهید شنید که فیدل کاسترو یا استالین یا رهبر کره شمالی را دیکتاتور قلمداد کنند

آقای همایون شناخت این افراد که ماهیت آنها برای همه روشن است، برایتان دشوار است؟ اگر میدانید ولی باوجود آنها را یدک می کشید، پس چه هدفی دارید؟ اتحاد با به اصطلاح اپوزیسیون؟ این عده برای غریزه ضد آمریکایی که در وجودشان است حاضرند در کنار کثیف ترین و آدمکش ترین حکومت جهان بنشینند. شاید اگر جای آمریکا روس به ایران حمله میکرد سکوت میکردند. کماینکه در برابر یورش ارتش روس در سایر نقاط جهان سکوت کردند

ما نباید فریب ملی شدن آبی چپها را بخوریم. زیرا این طیف هیچگاه اعتقاد به وطن، میهن، ملی گرایی و یا پرچم نداشته و ندارند. این عده به آن چیزی که از آن دم میزنند اعتقاد ندارند (مانند کارگر..). چه رسد به چیزی مانند ملیت، فرهنگ، آیین کهن پادشاهی، میهن و... که در فرهنگ لغت آنان یافت نمی شود

. اکنون برای آنکه به اهداف ضد آمریکایی خود نزدیکتر بشوند، بهترین فرصت را پیدا کردند که به بهانه دفاع از میهن کنار یار نزدیک ایدولوژیک و رهبر روحانی خود قرار گیرند و جبهه مشترک ضد آمریکایی و اسرائیلی تشکیل دهند

اگر آنها جبهه تشکیل میدهند، بسیار خوب. اما شما چرا آقای همایون؟ بیاد آن شعر افتادم که می گوید

هرکس بطریقی دل ما می شکند، بیگانه جدا و دوست جدا میشکند.....ازدوست پپرس که چرا میشکند؟ من هم طرفدار جنگ نیستم ما خود خسته از جنگیم با آنکه در دفاع از میهن در جبهه علیه عراق حضور داشتم. چندی پیش قعطنامه حزب مشروطه سیاتل آمریکا را می خواندم. قید شده بود که جنگ و حمله نظامی نه و آزادی ایران بدست مردم آری !! عجب شق القمری ! آیا از خود پرسیده اید که اگر مردم خیزش نکردند تا رژیم ملایان را سرنگون کنند، آنگاه چه؟ همه می خواهند و میدانند که بهترین آلترناتیو همانا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بدست خود مردم ایران است

حال اگر مردم توان خیزش را نداشته باشند آنگاه دولت اسرائیل باید حتماً سکوت کند و شاهد اتمی شدن آخوندها باشد؟؟؟؟

آیا از خود پرسیده اید ترمز زدن و جلوگیری آخوند غیراتمی ساده تر است یا آخوند اتمی؟؟

موجودیت اسرائیل در درجه اول اهمیت برای مردم آن کشور و جهان قرار دارد. جمهوری مافیای اسلامی هنوز بدون بمب اتم از طریق حزب الله به خاک اسرائیل موشک پرانی کرد و شمار بسیاری را بکشتن داد. وای بروزی که بمب اتم نیز داشته باشند. من نمی دانم این حضرات در کدام کره خاکی زیست می کنند که اینقدر از مسائل بدور هستند و ساده ترین معادله سیاسی را بغرنج کرده و سپس از حل معادله آن ناتوان می مانند

به ایران سوگند هیچکدام شما وقتی جنگی رخ دهد ایران برو نیستید. چه رسد به اینکه فانوسقه دور کمرتان ببینید و بخواهید با آمریکا بجنگید ! چگونه می توانید دست در دست خطرناکترین نیروها که همیشه به ایران ضربه زدند متحد شوید و در کنار مرتجع ترین و فاشیست ترین قشر حاکم در ایران بنشینید؟؟

در ضمن آیا آمریکا و اسرائیل قصد جان ما را دارند یا رژیم حاکم بر ایران را ؟ کدام آنها ایران را از بیخ و بن ویران کرده و به تاراج میبرند؟

اگر قصد آنها ریشه کن کردن رژیم فاشیست حاکم است، وظیفه ملی حکم میکند به آنها در جهت نابودی دژخیمان حاکم که ایران ما را به نابودی کامل می کشانند، یاری رسانیم. نه آنکه در کنار رژیمی که فرهنگ ما را ، زندگی ما را، آیین کهن ما را، نسل آینده ما را و هستی و نیستی ما را بر باد میدهد، نشسته و به بهانه دفاع از میهن با آمریکا بجنگیم. هر چه زودتر این رژیم سرنگون شود، بسود ایران و ایرانیت است

فرصت طلبان ایرانی که در قالب سازمانها و احزاب مختلف سیاسی پنهان گشته اند از کانالهایی وارد میشوند که پذیرای افکار عمومی باشد. راههایی مانند منافع ملی، وطن و... هستند که بتوانند رسوخ کنند و از درون تشکیلات را متلاشی کنند بیست و هفت سال است که رژیم تلاش کرده و میکند به اشکال مختلف و پرداخت هزینه های هنگفت اپوزیسیون را بی اعتبار کند

در این راستا نیروهایی از کشورهای مختلف اروپایی هستند که رژیم را نیز یاری میرسانند تا مافیای اسلامی بر ایران حاکم است از این خیمه شب بازی بسیار است

کنگره ششم

در کنگره ششم شهر آخن هم شعار حزب مشروطه یگانگی ملی بود. دوباره پس از سخنرانی های پراکنده همایون و رئیس در چند جا باز سروکله ح..الله رئیس در کنار آقای همایون پیدا شد

به اصطلاح آقایان میخواستند تمرین دمکراسی کنند و بلندگو در اختیار کسانی قرار دهند که نه به وطن و نه به پرچم شیروخورشید اعتقادی ندارند

بسیار خوب، پس از آنکه آقای رئیس یک شکم سیر بالای منبر حرفهای تکراری زد نوبت آقای داریوش همایون شد

در انتها آقای همایون در لفافه گفتند که آقای رئیس و همدستانش 2 تا بمب به دفتر روزنامه ما آزادگان پرتاب کردند !! جو سالن اندکی شلوغ شد

خب، آقای همایون چرا کسی را که به گفته خود شما به بمب گذاری متهم است، در چنین نشستهایی دعوت میکنید؟

تروریست از نوع اسلامی و چه از نوع کمونیستی فرقی ندارد. شما چگونه در کنار بمب گذار که در بقدرت رساندن خمینی

سهم بسزایی داشتند، می نشینید ؟
آری آقای همایون، نسل من که زندگی و جوانی شان تباه گشته، به این سادگی از مسائل نخواهند گذشت

اشتباه شما اینجاست که شما از میزان خشم نسل جوان و نفرت آنان نسبت به عاملین فاجعه ملی 57 بی خبرید
درضمن این چه تمرین دمکراسی است که به یک بمب گذار تروریست میکروفن میدهد ولی بنده که
آمده بودم پرسشم را مطرح کنم که بگویم چگونه نمایندگان چپ متحد خمینی (خط امام) امروز
می توانند اعتماد مردم را جلب کنند که دم از ملی گرایی میزنند؟

زیرا همیشه در کنار خط امام بودند. برای همین من مسئله چوپان دروغگو را مطرح کردم
چون سخنران پیش از آقای همایون خانم جیرانی جامعه شناس که از پاریس آمده بود، فرمودند
اپوزیسیون برونمرز اعتبار آنچنانی پیش مردم ایران ندارند و باید اعتمادسازی کنند
پرسش من با شارلاتان بازی آقای رئیسی بقول شما بمب گذار نیمه کاره ماند
به این هوچی گری نمی گویند تمرین دموکراسی. دموکراسی به معنای آن نیست که به یک شخص اجازه هرج و مرج داده
شود و به دیگری اجازه طرح پرسش نداد

در همان لحظه صدای تلفنی دختری از ایران در سالن پخش شد که از جهنم اسلامی ایران می نالید
چگونه می توانید صدای زجه دختری را بشنوید و سپس در کنار آن کسی که آن جهنم را برای آن دختر و تمام زن و
مرد ایرانی ساخته است بنشینید؟

در ضمن من نمی دانم از کدام جنگ صحبت می کنید؟ آیا اطمینان دارید که جنگ می شود یا احتمال می دهید؟
اگر اطمینان دارید و قطعنامه صادر میکنید، پس موظفید راجع به آغاز جنگ توضیح دهید زیرا به بهانه آن در کنار
تروریستها و اوباشان نشستید و بیانیه مشترک نوشتید و حزب مشروطه
را زیر سوال بردید، اگر احتمال جنگ می دهید و به بهانه احتمال جنگ با نوچه های روس همراه می شوید و می خواهید در
کنار کثیف ترین موجودات روی زمین که حاکم ایرانند، بنشینید و با آمریکا و اسرائیل بجنگید،
آنگاه در پیشگاه همگان پاسخگو هستید. زیرا شما گفتید ما آمار هیچ چیز را نداریم. پس چگونه
احتمال می دهید؟

برونمرز اگر متحد هم بشوند کاری از دستشان ساخته نیست. حرف در داخل زده می شود
خدا را سپاس که مشروطیت مقوله ای سوا و حزب مشروطه مقوله ای جداگانه است. جنبش مشروطه متعلق به همه
ایرانیان است و همه در آن سهیمند
حزب مشروطه نماینده خودش است نه مشروطیت ایران. این حزب مشروطه است که در کنار آخوند می جنگد نه مشروطیت
ایران

هر حزبی زمانی حالت رسمی می یابد که در درون کشور با عضویت نمایندگان واقعی ساکنین
همان مرز و بوم بطور رسمی به فعالیت بپردازد
در خارج از کشور تنها هدف باید جذب نیروهای همگرای ملی در جهت نابودی رژیم ستمگر ضد ملی در حد توان خود باشد،
نه برعکس قضیه. نه آنکه همگرا را واگرا کنید
گویا آقایان همه از ترس رژیم به خارج از کشور پناهنده شده اند. حال می خواهید بروید در کنار رژیمی که از ترس او
متواری شده اید، بنشینید! بیابید پرتقال فروش را
لطفاً بما نگویید آقا وطن ماست اگر شرایط ایجاب کند، خواهیم جنگید
با اینکار فقط نیروها را پراکنده می کنید که تا کنون کرده اید. انگار اگر نیروهای غربی بخواهند حمله کنند از چندتا
اپوزیسیون دستور میگیرند

تازه اگر همه نیروهای اپوزیسیون برونمرز با هم متحد هم بشوند باز راه بجایی نخواهند برد. این
یک واقعیت تلخ است باید پذیرفت
زیرا آن زمان که مردم ایران از به اصطلاح اپوزیسیون خارج از کشور انتظار حرکت یکپارچه ضد رژیمی داشتند، چیز
دیگری از آب درآمد

مردم برونمرز ایران دیگر یاد گرفتند چگونه به نیروی خود متکی باشند ،
حال هرچند حرکت ضعیف یا قوی باشد. یک نکته جالب دیگر
خیلی ها معتقدند که مردم برونمرز خواهان آن هستند که نیروی قدرتمند خارجی رژیم آخوندی را سرنگون سازند
حال نظامی یا به هر شیوه دیگر. باآنکه در رادیو و تلویزیون های ایرانی برونمرز بارها از مردم پرسش کردند. بسیار خب.
شاید هم نه

حالا آقای همایون می گوید ما در ایران آمار از هیچ چیز نداریم! خب. اگر ما از هیچ چیز آمار نداریم چگونه بخود جرأت
میدهیم که خلاف نظر مردم اقدام کنیم
زیرا احتمال آن هست که مردم تصمیم آقای همایون را اصلاً ناپسند بدانند و خواهان برکناری
رژیم آخوندی از راه نظامی باشند

با چنین حرفی که ما اصلاً نیروی اتکا به آمار نداریم از یک طرف حرکت پاسیو و منفعل
سیاسی را ایجاب می کند از طرف دیگر دست آقای همایون را برای هر تصمیمی که ایشان تفسیر

می کند باز می گذارد
شما از کجا آمار گرفتید و از آقای خاتمی حمایت کردید ؟
در صورتیکه مردم و دانشجویان برای اینکه به رهبر نه بگویند به خاتمی رای داده بودند
اگر چه خود همین نمایشنامه ساخته خود ولایت فقیه با همکاری حامیان خارجی آن بود
هشت سال برای رژیم عمر خریدند و
هنوز هم خاتمی در غرب بدنبال تضمینی برای رژیم ملایان می گردد. خطر سازش و گفتگو هنوز بسیار بالاست
آنگاه من نمی دانم حضرات از کدام آمار و جنگ و در کنار ملاً نشستن سخن میرانند !؟

در زمینه تشکیلات
تشکیل حزب آنهم با آن شرایط بی اعتبار برونمرز که قید کردم به چه قیمتی برای مشروطه خواهان تمام شد؟
همانگونه که اشاره کردم مشروطه خواهان پادشاهی طیف بسیار گسترده ای را در سراسر اروپا و آمریکا تشکیل میدهند
بیش از سه چهارم آنها اصلاً عضو حزب نیستند. چرا؟
این دلیل نیست که بگوئیم همه آنها سلطنت طلب هستند. نخیر. اتفاقاً همه آنها پیرو مشروطه پادشاهی یا
پارلمانی هستند. من با جرأت تمام می گویم که ما دیگر جریانی را در طیف پادشاهی نداریم که پیرو سلطنت یک فرد بر
تمامیت ایران باشد. اگر هم باشد انگشت شمار است
کلیه این نیروها پراکنده هستند در سازمانهای کوچکتر گرد آمده اند یا اینکه مانند بسیاری دیگر طرفدار
شاهزاده رضا پهلوی هستند
تا جاییکه یادم است حزب مشروطه هنوز تا سال 1997 هنوز سازمان بود. تا زمانیکه هنوز سازمان بود اعضای
بیشتری داشت تا اکنون که حزب نامیده میشود
در صورتیکه پراکندگی سازمانهای مشروطه ، هرچه که بود و هست دارای محور مشترک پادشاهی
بوده و هست . در برابر رژیم جمهوری اسلامی انعطاف ناپذیر بوده و هستند
. دیگر از جملاتی شبیه اینکه از خاتمی دفاع کنیم چون اصلاح طلب است یا در کنار رژیم
اسلامی بنشینیم با فلان کشور بجنگیم خبری نبود
اگر حزبی یا سازمانی یکپارچه شد و اختیار آن و نفوذ آن در دست یک شخص قرار بگیرد، انحراف آن سازمان یا حزب
بمراتب بسیار بیشتر است
مثلاً سازمان مجاهدین اگر چه شورای مقاومت نیز دارد ولی می بینیم که حرف مطلق
آئر مسعود رجوی میزند
در کل ما هنوز فرهنگ حزبی نداریم. زیرا وقتی از شخصی انتقاد می کنند او را بعنوان یک دشمن از مدار تشکیلات حذف
میکنند

در چنین کشورهایی که فرهنگ حزبی و برخورد منطقی با مسائل ندارند همیشه
تاریخ تکرار می شود. برای همین است که جامعه خود دیکتاتور پرور و در نتیجه دیکتاتور پذیر است
آری این گرگ سالهاست که با گله آشناست
یعنی یا باید دیکتاتور ستمگر باشد یا آنکه خوبی و قوانین مدرن دموکراسی را بزور بمردم جامعه تزریق کند.
خوشبختانه این نسل نوین نه چپ سنتی را می شناسد و نه مانند راست سنتی اندیشه میکند. نسل نوین
می رود که دیگر تاریخ را تکرار نکند. مانند پدران خود کورکورانه بدنباله هر کسی فتوا صادر میکند،
براه نمی افتد. این روزنه امید است
در پایان باز هم گوشزد میکنم اگر هر شخص و یا گروهی به بهانه دفاع از میهن در کنار ملایان قرار گیرد،
باید بداند که همراه خود سران و وابستگان رژیم بعنوان سرنشینان کشتی در توفان دریا غرق خواهد شد. امیدوارم
که بدانید چه میکنید
این سفسطه تنها برخی از نیروها را که تشنه قدرت هستند و هنوز در پستوی عقده های شخصی و شکستهای ایدولوژیک
خود گم شده اند و
یا جناحی از محافظه کاران اروپا که منافع سرشار از رژیم آخوندی دارا هستند، خرسند میکنند
در ضمن یادتان باشد عدم حضور دیگر مبارزان در حزب دلیل بر منفعل بودن آنان نیست. شما اگر شخص با ایمان را به
معبد راه ندهید یا معبد به دلالتی تخریب شود مومن بر
ایمان خود پایرجا خواهد بود
عشق به ایران و میهن و آیین ملی باید در قلب و روح انسان باشد
دوست خوب آنست که همچون آینه روبرو گوید نه همچو شانه پشت سر رفته، به صد زبان مو بمو گوید

جعفرزاده

پایانده ایران همراه با آیین کهن آن.